

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۶ سپتمبر ۲۰۰۹

"پوهنتون موسیقي، کوچۀ خرابات بود"

مصاحبه با استاد فضل احمد

دری سره و آداب سخنگوئی کابلی

مصاحبه جالبی را که شاعر و نویسنده وارسته و مبارز افغان، جناب پیکار پامیر، با استاد فضل احمد – یکی از چهره های درخشان هنر طبله نوازی – برای پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" انجام داده اند، شنیدم. شنیدم و لذت بردم و میدانید، چه لذت هائی؟ لذت من صرف نظر ازینکه از ناحیه خود مصاحبه و متن معلوماتی و باارزشش از نگاه هنر موسیقی و تاریخ آموزش هنر موسیقی بود، از سه ناحیه دیگر نیز بود:

– یکی از "دری" زیبا و سچۀ گفتاری کابلی

– دیگر "آداب" خاصی را که کابلین ارجمند در هنگام سخن گفتن مراعات میکنند

– و سوم وجهه ملی سخن گفتن، که نمایندگی از ذهنیت توده های مردم ما میکند

اینک از خلال مصاحبه نکاتی را در هر سه زمینه بیرون آورده و پیش روی خواننده گرانقدر پورتال میگذارم.

نمونه دری سچۀ کابلی:

مهمترین نکته قابل درک، "کابلی بودن" محض. "دری کابلی" این گفتار است، که از مغز مردم کابل قدیم برخاسته و کوچکترین اثری هم از خارج نپذیرفته است. خوشبختانه زبان عامیانه افغانستان، از هر منطقه ای که باشد – از شمال باشد یا جنوب، از شرق باشد یا غرب یا مرکز افغانستان – زیر تأثیر تهاجم فرهنگی بیگانگان نرفته است و شاید هرگز هم نرود. تأکید مشخص من بر "دری کابلی" است، و خوشبختم که خود از آن کاملاً بهره مند و خوشبختانه از سالهاست، که خود را مصروف تحقیق این گوشه پرکیف زبان دری، ساخته ام.

بنده در مدت بیشتر از دو دهه نه تنها بر اصطلاحات و کنایات و امثال و حکم عامیانه مردم کابل زمین مکث کرده ام، بلکه این لهجه و وجهه زیبای زبان دری را از نگاه خصوصیات دستوری، که از بسا جهات با دستور ادبی در تفارق و تمایز قرار دارد، نیز زیر تحقیق گرفته ام. تا جایی که به مشاهده من رسیده است، زبان عامیانه باریکی هائی را در بر دارد، که زبان ادبی تا حال بدان نپرداخته و یا که بدان دست نیافته است.

گویندگان زبان عامیانه ما لله الحمد بسیار و بیحد و حصر اند و راهی همان راهی هستند، که تاکنون پیموده اند. پس تا سالهای سال بیم آن نمیرود، که دری عامیانه "لکه دار" گردیده و به ابتدالاتی دچار گردد، که زبان ادبی دری بنا بر اثرگذاریهای بیرونی، مبتلا گردیده است. از خواننده ارجمند دعوت میکنم، که نمونه چنین دری سچۀ و ناب را از زبان استاد فضل احمد در مصاحبه ایشان با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" بشنوند (صفحه صوتی و تصویری)

نمونه کلمات زیبایی را که از خلال مصاحبه استدراک کردم:

ریاضت = مشق و تمرین
آغا = پدر، قبله گاه

دسته داری = سهم گیری در یک دسته و گروه
سر به سر = پشت سرهم، پیایی، بصورت منظم

آداب سخن‌گویی عوام کابلی:

مردم عوام ما حین سخن گفتن، از ادب خاص کلام برخوردارند. ایشان ظرافتها و باریکی هائی را مد نظر میگیرند، که زبان ادبی و باصطلاح "معیار" از آن بی بهره است. مثلاً:

- اگر بخواهند از ناپاکی و بوی و تعفن سخن گویند، ترکیب "گل برویت" یا "گلها بروی تان" و غیره استفاده کنند.
- اگر بخواهند از بیماری خود حکایت کنند، ترکیب "دور از جانت" یا "دور از جان تان" را بکار برند. مثلاً گویند: دور از جانت مریض بودم، یا دور از جان شما کمرم درد میکرد.
- اگر از مریضی گذشته عزیزی با دیگران حکایت کنند، ترکیب "دور از حالی" (دور از حالا) را بکار برند و مثلاً گویند: فلانی جان دور از حالی بسیار مریض بود.
- اگر از بخت و صحت و سلامت و سعادت کسی چیزی گویند، ترکیب "گوش شیطان کر" را جهت رفع نظر (چشم بد، زخم چشم) استعمال نمایند.
- اگر بخواهند از "بد بختی" و "شامت" قصه کنند، ترکیب "هفت کوه سیاه در میانه" را استعمال نمایند.

استاد فضل احمد آنقدر ادب کلام را مراعات میکند، که حتی برای ترکیب "بینی خمیری" هم "بی ادبی معاف" را بکار میبرند. مثلاً میگویند: «بی ادبی معاف، یک بینی خمیری میکنیم.» و این منتهای مراعات ادب کلام است، چون استعمال ترکیب "بینی خمیری کردن"، اصلاً کدام "قباحت کلام" شمرده نمیشود.

از کلماتی که استاد در کلام خود بسیار استعمال میکند، بکار گیری کلمه "صاحب" در جمله است، که بخاطر رعایت بزرگی مخاطب، گفته میشود. و چون استاد با شخصیت معززی نظیر جناب پیکار پامیر سخن میگوید، از استعمال کلمه "صاحب" به کرات و فراوان استفاده مینماید.

وجهه ملی سخن گفتن استاد:

استاد فضل احمد وقتی سخن میگوید، کوچکترین احساس تبعیض قومی و منطقوی و زبانی از آن استشمام نمیگردد. مثلاً میگوید که:

«پوهنتون موسیقی، کوچه خرابات بود.»

من همین جمله را بحیث عنوان مقال قرار دادم، چون صرف نظر از محتوای جمله که عالمی صداقت در آن نهفته است و عین واقعیت را بیان میکند، این نکته را نیز نشان میدهد، که ایشان در برابر کلمات پشتو، کوچکترین احساس بیگانگی نمیکند. ایشان در کمال صداقت و اخلاص، از کلمه زیبا و معمول و مأنوس "پوهنتون" استفاده مینماید، و نه به مانند بعض "خشکه مقدسان" متعصب، که از روی تظاهر و یا تفاخر، کلمه "دانشگاه" را بر زبان می آرند. باید بگویم، که "دانشگاه" ولو کلمه دری بوده و ساخت زیبا و آهنگ خوش هم دارد، اما در بین مردم ما تداول پیدا نکرده است و از جمله لغات نامأنوس بشمار میرود.

استاد فضل احمد شهرهای گرامی هرات و قندهار و قندوز و مزار شریف را با عین صمیمیتی بر زبان می آرد، که حضرت کابل را.

وقتی گفته های استاد فضل احمد را می شنوم، طرز دید توده های مردم ما به یادم می آید، که در آن کوچکترین غش و نشانه ای از تعصب و تبعیض سراغ نمیگردد. من شخصاً بعد از مطالعه روحیات و وجنات مردم عوام ما، بدین نتیجه رسیده ام که:

در بین توده های ملیونی مردم ما، کلمه "تعصب" اصلاً زاده نشده است. ایشان نه تعصب قومی را برسمیت میشناسند، نه تعصب زبانی را و نه تعصبات منطقوی و مذهبی و غیره را. عوام الناس ما همه، بدون استثناء خود را "افغان" دانسته و بر "افغانیت" خود نه تنها میبالند، بلکه از آن تا پای جان بدفاع نیز برمیخیزند!!!!